

کاربست روش داده‌بنیاد در ظهور یک نظریه‌ی شهری (بازآفرینی بخش مرکزی مشهد)



ایمان قلندریان

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فردوسی مشهد.
نویسنده‌ی مسئول: ghalandarian@ferdowsi.um.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷

چکیده:

موضوعات شهرسازی پیچیده، متنوع و زمینه‌گرا هستند؛ به همین دلیل معمولاً در مطالعات شهری، عرصه نظریه‌پردازی، موضوع بحث‌برانگیزی می‌باشد. زیرا غالب نظریات مورد استفاده، برآمده از مطالعات پژوهشگران کشورهای عموماً توسعه‌یافته است و کاربرت آن‌ها در شهرهای با ویژگی‌های کالبدی، اقلیمی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و مدیریتی گوناگون با چالش‌هایی جدی مواجه می‌شود. از طرفی فقدان نظریات معتبر و بومی در عرصه شهرسازی خصوصاً شهرهای ایرانی-اسلامی و وجود متغیرهای گوناگون و منحصر بفرد در این حوزه لزوم بازتعریف و بازاندیشی نظریه‌های بومی برای شهرهای ایرانی اسلامی را دوچندان می‌کند. لذا این مطالعه با هدف کاربرت روش شناسی داده‌بنیاد در استخراج چارچوب بازآفرینی بخش مرکزی شهر مذهبی مشهد، به منظور پاسخ به سوال چگونگی استفاده از روش داده‌بنیاد برای تدوین چارچوب بازآفرینی مناسب، به تشریح فرآیند استفاده از نظریه داده‌بنیاد می‌پردازد. برای این مهم از دو روش توصیفی تحلیلی (برای تشریح فرآیند نظریه داده‌بنیاد) و پیمایشی (به منظور بهره‌مندی از تجربه عملی در قالب مصاحبه‌ها) استفاده شده است. این پژوهش به تشریح فرآیندی مبتنی بر تعبیر کنشگران اجتماعی می‌پردازد که برای توصیف و فهم و تدوین چارچوب بازآفرینی بخش مرکزی مشهد، کاربرد داشته است؛ و می‌تواند به شکل روشمند، مدل نظری را از ادراک ذی‌نفعان محیط، استخراج کند. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که روش داده‌بنیاد به فهم لایه‌های زیرین موثر بر تغییرات کالبدی، اجتماعی، و غیره کمک می‌نماید؛ و برای تولید نظریه لازم است از نظرات ذی‌نفعان گوناگون، بهره برده شود. تحلیل مبتنی بر داده‌های زمینه‌ای از منظر ذی‌نفعان، نشان داد که مدیریت شهری برای مداخله در بافت‌های شهرهای مذهبی لازم است؛ علاوه بر توجه به کالبد و فضای عینی، به فضای فکری و عملی نیز در ابعاد شش‌گانه مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، کالبدی، کارکردی و زیست‌محیطی توجه نماید؛ و نوسازی در این بافت‌ها، حول محور سنت و مذهب تعریف و اصالت یابد. لذا لازم است پیش از اجرای هر طرحی، تاثیر مداخله در این فضاهای سه‌گانه، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا آسیب‌های احتمالی به حداقل ممکن برسد.





واژه های کلیدی: نظریه داده‌بنیاد، روش‌شناسی، شهر مذهبی، بخش مرکزی مشهد.

۱. مقدمه

دانش شهرسازی بر اساس فهم دقیق رابطه انسان و محیط به دنبال ارتقای کیفیت زیست انسان و محیط مصنوع می‌باشد. برای این مهم، نیازمند پایه‌های نظری است تا با بهره‌مندی از آن‌ها فهم بهتری از مسائل شهری ایجاد شود؛ و راه‌حل‌های مناسبی نیز پیشنهاد گردد. بنابراین تولید و تبیین نظریه با استفاده از روش‌های دقیق و مناسب، بسیار ضروری و حائز اهمیت است و بر غنای این دانش می‌افزاید. این در حالی است که فقدان شیوه‌های مناسب نظریه‌پردازی در شهرسازی، عدم باور متخصصان به لزوم آن، وجود نظریه‌های ناهمخوان مبتنی بر شیوه‌های کمی بدون توجه به مناسبات محیطی و اجتماعی، و غفلت از چگونگی ادراک و تفسیر استفاده‌کنندگان از فضا، ضرورت بهره‌مندی از روش‌شناسی مبتنی بر زمینه را برای تولید نظریات شهری ایجاب می‌کند.

امروزه با توجه به رشد سریع شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران^۱ و مواجهه شهرها با محدودیت‌ها و چالش‌های برآمده از رشد لجام گسیخته و خارج از برنامه و تغییر سبک زندگی، بخش‌های قدیمی، کارایی خود را طی فرآیندی (با تغییر کالبد یا فعالیت و یا هر دو) از دست داده‌اند و کیفیت محیط در این بخش‌ها افول می‌کند؛ به گونه‌ای که این بافت‌ها ارزش‌گریز شده و تعادل زیستی آن‌ها برهم خورده و به‌عنوان بخش مساله‌دار و بافت نابسامان نمود پیدا می‌کنند و تبدیل به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیریت شهری می‌شوند. هرچند این بافت‌ها پتانسیلی برای توسعه درونی هستند؛ اما به دلیل مسائل و مشکلات فراوان در ابعاد مختلف، اغلب با کاهش جمعیت بومی و سکونت اقشار کم‌درآمد مواجه می‌شوند. این امر بر ناکارآمدی آنها افزوده و مداخله در این بافت‌ها با هدف ارتقای کیفیت و برقراری تعادل میان ابعاد مختلف سکونت، ضرورت پیدا می‌کند. از این رو به نظر می‌رسد نوسازی به شیوه‌ای صحیح برای ارتقای کیفیت زندگی شهری و جلب رضایتمندی بهره‌برداران و ساکنان آن، از ضرورت‌های

غیرقابل انکار است.

طرح‌های نوسازی با هدف ارتقای کیفیت محیط شهری در بافت‌های فرسوده انجام می‌شوند. اما گاهی در زمینه تحقق اهداف مختلف موفق نبوده و این بافت‌ها را با مشکلات جدیدی مواجه نموده است؛ و باعث نارسایی و نارضایتی طیف گسترده‌ای از ساکنان و کاربران می‌شوند. بافت مرکزی مشهد یکی از بخش‌های قدیمی شهر است که به علت سکونت پیوسته با پدیده فرسودگی مواجه شده است. امر نوسازی در این بافت به شکل جدی از دهه ۱۳۷۰ شروع شد و تا کنون ادامه دارد. در این پژوهش سعی شده است با تاکید بر روش‌شناسی داده‌بنیاد به چگونگی استخراج چارچوب بازآفرینی بر اساس مطالعه انتقادی فرآیند نوسازی طی شده، اقدام شود. لذا هدف مورد نظر نحوه کاربست روش‌شناسی داده‌بنیاد در استخراج چارچوب بازآفرینی بخش مرکزی شهر مذهبی مشهد بوده است؛ و پاسخ به سوال زیر را دنبال می‌کند: چگونه می‌توان از روش داده‌بنیاد در مطالعه فرآیند نوسازی بخش مرکزی شهر مذهبی مشهد استفاده نمود؟

۲. مبانی نظری

توجه به زمینه و زمینه‌گرایی یکی از دیدگاه‌های رایج در شهرسازی است. بر اساس این رویکرد، هر مداخله‌ای در حوزه شهری باید با زمینه کالبدی، تاریخی، و اجتماعی-فرهنگی سازگاری داشته باشد. بنابراین شهرسازی باید ویژگی‌های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی خود قرار دهد (تولایی، ۱۳۸۰). به عبارتی در هنگام مداخله در بافت، باید به پیوندهای کالبدی آن با همسایگی‌ها، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی، زمینه‌های اجتماعی و معناشناسی و ارزش‌ها و هنجارهای عمومی توجه نمود و بی‌توجهی به آن‌ها، محیط را با مسائل عدیده‌ای مواجه خواهد کرد.

برای مطالعه‌ی این موضوعات مبتنی بر زمینه، نیاز به روش‌های کیفی می‌باشد؛ تا پژوهشگران با استفاده از شیوه‌های مناسب، امکان تفسیر مکان را بیابند. این تفسیر





شهری به ویژه از قرن نوزدهم تا امروز، دوره‌ها و مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته؛ و هر دوره رویکردی خاص بر مبنای شرایط زمانه خود داشته است. سیر تحول رویکردهای نوسازی از پرداختن به ویژگی‌های صرفاً کالبدی آغاز و به ابعاد پدیده‌تر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارتقا یافته است. به طور کلی چند دوره عمده و متفاوت در سیاست‌های رویارویی و مواجهه با بافت‌های تاریخی و قدیمی مشاهده شده است که به ترتیب زمانی عبارتند از: بازسازی، باززنده‌سازی، نوسازی، توسعه مجدد و بازآفرینی، و بازآفرینی‌های فرهنگ مینا و پایدار (بحرینی، ایزدی، و مفیدی ۱۳۹۲). امروزه بازآفرینی به‌عنوان تکامل رویکردهای پیشین مورد استفاده قرار می‌گیرد.

بازآفرینی به معنای دوباره آفریدن چیزی است و به بازطراحی، بازسازی و تخصیص مجدد زمین شهری اشاره دارد (کیم^۴ ۲۰۱۵، ۳۳۷). بازآفرینی رویکردی جامع، هماهنگ و عمل‌گرا (گیسون^۵ و کوکاباس^۶ ۲۰۰۱) برای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی (بوسا^۷ ۲۰۱۷)، اجتماعی و فرهنگی است (اوزلم^۸ ۲۰۰۹، ۲۸). این گستردگی برآمده از پیچیدگی اهدافی است که این مداخله‌ها دنبال می‌کنند (مگالهمس^۹ ۲۰۱۵، ۹۲۰). دستیابی به چنین اهداف گسترده‌ای، بدون توجه طرح‌ها و اقدامات به زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بافت، امکان‌پذیر نمی‌باشد. در این صورت یا ساکنان مجبور به ترک محل زندگی‌شان می‌شوند؛ و یا در صورت ماندن به سبب زمینه‌های نو و ناآشنا، منزوی شده و نسبت به محیط زندگی بی‌تفاوت می‌شوند. این به معنای فروریزی حیات اجتماعی و زندگی مدنی است. پس لازم است طرح‌ها، با تعامل و گفت‌وگو با ساکنان (علی‌الجناحیان و دودانگه ۱۳۹۴)، و مبتنی بر مشارکت مردمی، مشارکت بین سازمانی و مشارکت بین سازمان‌ها و مردم و سایر ذی‌نفعان (آریانا، کاظمیان، و محمدی ۱۳۹۹) شکل گرفته باشند. با توجه به تاکید بر مشارکت و تحقق‌پذیری برنامه‌ها، عمل بازآفرینی، رویکردی فرآیندگرا است (قلندریان و رفیعیان ۱۳۹۷). بنابراین باید به نوع مداخله و اثرات آن، از شروع تا انتها توجه نمود. از طرفی گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع در

در رابطه‌ای رفت و برگشتی و بر پایه‌ی روابط متقابل انسان و محیط کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی شکل می‌گیرد (لک ۱۳۹۳). استراوس^۲ و کوربین^۳ (۱۹۹۰، ۲۳)، نیز معتقدند روش کیفی برای کشف عرصه‌هایی از زندگی که محقق از آن‌ها چیزی نمی‌داند یا عرصه‌هایی که از آن‌ها بسیار می‌داند؛ اما به دنبال فهم تازه‌ای است به کار می‌رود. رویکرد کیفی تفسیرگرا به تجربه و ادراک انسان در شناخت محیط، اصالت می‌دهد. این رویکرد می‌تواند از طریق روش‌هایی مانند پدیدارشناسی، مردم‌نگاری، اقدام‌پژوهی، نمونه‌موردی و نظریه داده‌بنیاد به انجام برسد (لک ۱۳۹۳). از طرفی به دلیل تفاوت ادراک انسان‌ها با هم، توجه به نظریات بومی و مبتنی بر زمینه بسیار اهمیت می‌یابد. این در حالی است که غالب نظریات شهرسازی مورد استفاده در کشور ایران، در زمینه‌ای دیگر، با مناسباتی متفاوت، متولد شده و رشد یافته‌اند.

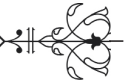
یکی از حوزه‌های چالش برانگیز در شهرسازی، نوسازی بافت‌های فرسوده می‌باشد و استفاده از نظریه داده‌بنیاد در آن با توجه به ابعاد مختلف اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی، و تعدد ذی‌نفعان، با اهمیت است. در ادامه به اختصار به توضیح نوسازی و بازآفرینی و چرایی استفاده از نظریه داده‌بنیاد در این موضوع پرداخته می‌شود. شایان ذکر است تمرکز این پژوهش بر تشریح روش داده‌بنیاد و چگونگی بهره‌گیری از تکنیک‌های متعدد آن می‌باشد.

۲-۱. نوسازی شهری

بافت قدیمی و تاریخی شهرها به واسطه قدمت و وجود عناصر تاریخی-هویتی و موقعیت مناسب ارتباطی برای شهروندان و ساکنان، دارای ارزش و منزلت بالایی است. اما این بافت‌ها با گذر زمان و تغییر سبک زندگی و گسترش استفاده از خودرو، با تحولات متعددی مواجه شده و به تدریج دچار نارسایی و اختلال در ابعاد مختلف هویتی، کارکردی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، ارتباطی، و زیست‌محیطی گردیده‌اند.

نوسازی شهری شیوه‌ای برای بازگرداندن تعادل در کارکرد درونی سامانه شهری و تداوم بخش ارزش‌های سکونتگاه‌های فرسوده تعریف شده است. سیر تحول سیاست‌های نوسازی





مناطق مختلف جغرافیایی متنوع و متفاوت هستند و ممکن است بازخوردها و عملکردهای منحصر بفردی داشته باشند؛ بنابراین چارچوب بازآفرینی به فراخور نوع بافت، متفاوت است و به زمینه‌ی کالبدی، اجتماعی، و اقتصادی آن وابسته می‌باشد. لذا توجه به زمینه، جهت تحقق اهداف، بسیار حائز اهمیت خواهد بود.

۲-۲. نظریه داده‌بنیاد و نوسازی شهری

مهم‌ترین مسأله‌ای که در زمینه سیاست‌های نوسازی و بازآفرینی مطرح شده، ریسک شکست آنهاست. با توجه به این که سیاست‌های بازآفرینی، بهره‌وران مختلفی را درگیر می‌کند، کشمکش و ناسازگاری میان آن‌ها بر سر منافع خویش، یکی از چالش‌هایی است که همواره مانع از اجرای آن بوده و در نتیجه موجب شکست و ناکارآمدی برنامه‌ها می‌شود (فلاح‌زاده و محمودی ۱۳۹۴). به همین دلیل، دیدگاه نهادی بر تعامل ذی‌نفعان محلی با هم و با سطوح بالادست تاکید دارد (ژنگ ۱۰، شن ۱۱، و وانگ ۱۲ ۲۰۱۴)؛ و خواهان مشارکت گروه‌ها و سازمان‌ها برای کاهش احتمال شکست برنامه‌ها می‌شود. بنابراین ایجاد ارتباط و شکل‌گیری گفتگو بین ذی‌نفعان یکی از اصول پایه‌ای در بازآفرینی است.

درک چارچوب بازآفرینی بخش مرکزی مشهد به دلیل وجود مرقد مطهر امام‌رضاع (ع) و پدیده زیارت، حضور زائران، ساکنان، و کسبه، فرآیندهای نوسازی، پیچیده، دشوار، و درهم‌تنیده است که امکان صورت‌بندی هر نوع مدل انگاشتی از پیش‌اندیشیده شده یا ترسیم فرضیه‌های مشخصی از متغیرهای موثر را با ساده‌انگاری مضاعفی مواجه می‌سازد. به همین دلیل مطلوب است این موضوع در بستر و زمینه، منطبق بر نظرات ذی‌نفعان و مبتنی بر جمع‌آوری روشمند داده‌ها مطالعه شود.

نظریه داده‌بنیاد نوعی استراتژی پژوهشی است که توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی، گلبرز و استراوس پیشنهاد گردید و نحوه استفاده از داده‌هایی که به شکل روشمند در یک مطالعه اجتماعی جمع‌آوری شده‌اند را مشخص نموده و چگونگی کاربری آن را در قالب پیش‌بینی، توصیف

و تبیین مورد توجه قرار می‌دهد (گلاس‌ر ۱۳ و استراوس ۱۹۶۷). این روش، کمکی است به تولید دانش و آن را از محدودیت‌های مربوط به نظریات معدود جهان‌شمول، آزاد کرده؛ و به کشف نظریه مبتنی بر گردآوری داده‌ها راهنمایی می‌کند.

روش داده‌بنیاد بر خلاف شیوه‌های کمی نظریه‌پردازی، رویکرد استقرایی به تولید و کشف نظریه داشته و از طریق برقراری رابطه‌ای مستمر بین گردآوری و تحلیل داده‌ها، نظریه را از بطن پژوهش استخراج می‌کند. این روش در پی اصیل بودن است (دانائی‌فرد ۱۳۸۹، ۵). یعنی داده‌ها باید به طور تنگاتنگی، معانی و فهم‌های افراد درگیر در پدیده‌ی مدل‌سازی شده را انعکاس دهند؛ و یافته‌ها باید به صورت مجموعه مفاهیم به هم پیوسته عرضه شوند؛ نه به صورت فهرستی ساده از تعدادی مضمون (استراوس و کریبن ۱۳۹۵، ۱۶۶).

از طرفی همانطور که بیان شد؛ در نوسازی شهری، ذی‌نفعان بر اساس فهم خود از شرایط، اقدام و عمل می‌کنند و به همین دلیل ریسک شکست پروژه‌های نوسازی به عوامل ذهنی ساکنان نیز بستگی دارد. بنابراین ارزیابی ذهنی ذی‌نفعان از مداخله در بافت‌های شهری بر چگونگی مشارکت آنان و میزان تحقق طرح‌ها، موثر است. نظریه داده‌بنیاد با برقراری ارتباط با مردم، می‌تواند ذهنیات آن‌ها را نسبت به این طرح‌ها کشف؛ و ویژگی‌های مثبت و منفی هر پروژه را بر اساس ادراک ذی‌نفعان مشخص نماید و با این شیوه میزان تحقق طرح‌ها را در صورت کاهش نقاط ضعف و تاکید بر نقاط قوت، ارتقا ببخشد.

۲-۳. کاربری نظریه داده‌بنیاد در نوسازی بافت‌های شهرهای اسلامی

معنا و مفهوم شهر اسلامی ناظر به دو رویکرد متفاوت است: دیدگاه پسینی و دیدگاه پیشینی. نگرش پسینی معتقد به وجود شهر اسلامی در دوران گذشته است. البته این تلقی، متناظر با شهر مسلمانان (شهر محل زندگی مسلمانان) (نقی‌زاده ۱۳۸۹) و شهر در تمدن اسلامی می‌باشد. بنابراین وظیفه برنامه‌ریز، طراح و معمار، شناسایی، ویژگی‌های آن‌زمانی





پیچیدگی مناسبات در محدوده و همچنین هدف پژوهش، از این شیوه، استفاده گردید.

۳. روش‌شناسی

این پژوهش به چگونگی استفاده از روش داده‌بنیاد از طریق تفسیر معانی، انگیزش‌ها و وجوه غیرمادی نهفته در اندیشه‌ها و کنش‌های اجتماعی ذی‌نفعان مختلف می‌پردازد. هستی‌شناسی این پژوهش از نوع آرمانگرا یا ایدئالیست است^{۱۶}. بر اساس این هستی‌شناسی انسان‌ها، واقعیات و جهان‌های اجتماعی را آن طور که می‌خواهند می‌بینند و تفسیر می‌کنند.

معرفت‌شناسی^{۱۷} برگزیده پژوهش، از نوع ساخت‌گرا است که شناخت را در بستر میان‌کنش‌ها و برون‌دادهای اجتماعی کاربران محدوده مورد مطالعه در نظر می‌گیرد (محمدپور ۱۳۸۹، ۶۴)؛ و نمادهایی مانند زبان - که کلید میان‌کنش هستند - را سازنده دنیای اجتماعی آن‌ها می‌داند (کالوف^{۱۸}، دان^{۱۹}، و دایتز^{۲۰} ۲۰۰۸، ۵۱). برای این منظور از دو روش توصیفی تحلیلی (برای تشریح فرآیند نظریه داده‌بنیاد) و پیمایشی (به منظور بهره‌مندی از تجربه عملی در قالب مصاحبه‌ها) استفاده شده است.

۴. تشریح فرایند تحقیق

فرایند با گردآوری داده‌ها و کدگذاری باز^{۲۱} آن‌ها، آغاز شده است؛ و سپس به مقوله‌های مجزایی خوشه‌بندی می‌شوند. برای آشکار شدن روابط درونی، مقوله‌ها با هم، مورد ارزش‌یابی مجدد قرار می‌گیرند؛ و به‌واسطه مجموعه‌ای از مراحل تحلیلی به تدریج در قالب مقوله‌های رده‌های بالاتر جمع‌بندی می‌شوند؛ و در نهایت مقوله اصلی یا همان نظریه داده‌بنیاد را خواهند ساخت. مراحل تفصیلی فرایند عبارتند از گردآوری داده‌ها، طرح پرسش پژوهش، نمونه‌گیری، تجزیه و تحلیل و ارزیابی فرایندها، و نتایج پژوهش که در ادامه تشریح می‌شوند.

۴-۱. گردآوری داده‌ها

کیفیت پژوهش در نظریه داده‌بنیاد، به صورت مستقیم به کیفیت داده‌های گردآوری شده بستگی دارد. اصولاً

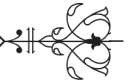
شهر و چگونگی پیاده کردن آن در شرایط فعلی است. دیدگاه پیشینی معتقد است تا کنون شهر اسلامی به معنای اکمل آن محقق نشده؛ و شهری، اسلامی است که بر پایه اصول و تعالیم اسلامی پایه‌گذاری شده نه شهری که صرفاً در تمدن اسلامی ایجاد شده باشد. در این دیدگاه، شهر، محلی است که در آن مسلمانان موحد، بر اساس دستورات و اخلاق اسلامی عمل و رفتار نماید. این شهر همچنین دارای کالبدی مناسب است که تجلی‌گاه ارزش‌های اسلامی بوده و نه تنها ساکنان را در مسلمان زیستن یاری می‌کند؛ بلکه می‌تواند محیط را نیز به حالتی از کمال درآورد (قلندریان، تقوایی، و کامیار ۱۳۹۵).

به طور کلی در هر دو دیدگاه، برای ظهور شهر اسلامی، انطباق و هم‌پوشانی سه فضا با سه عنصر ضرورت دارد. این سه فضا عبارتند از فضای فکری (انسان)، فضای عملی (رفتار)، و فضای عینی (کالبد). در حقیقت، محیط زندگی اسلامی فقط کالبد نیست؛ و علاوه بر کالبد، دو مقوله مهم دیگر نیز در تعریف این محیط و تجلی آن ایفای نقش می‌کنند. اصلی‌ترین عنصر، انسان (مومن) است که البته مهم‌ترین مقوله مربوط به او نیز وجه فکری یا به عبارتی ایمان اوست. عنصر بعدی قوانین حاکم بر شهر و بر همه روابطی است که بین انسان‌ها و طبیعت و آثار انسانی حاکم‌اند (نقی‌زاده ۱۳۸۷).

نوسازی بافت‌های فرسوده با مداخله در کالبد آغاز می‌شود. از آنجا که کالبد، دارای دو وجه عینی و ذهنی بوده و بستری برای شکل‌گیری رفتار است؛ بنابراین رفتار را نیز تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. همچنین با تغییر بعد ذهنی آن، وجه فکری نیز تغییر می‌یابد. به عبارتی نوسازی بافت، سه فضای شهر اسلامی (کالبد، رفتار، و انسان) را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد.

از آنجا که نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، بخش مرکزی شهر مشهد می‌باشد؛ برای فهم بازآفرینی در آن، لازم است چگونگی نگرش مردم و گروه‌های مختلف نسبت به نوسازی بخش مرکزی مشهد مورد پرسش قرار گیرد. پژوهش داده‌بنیاد سه هدف کشف^{۱۴}، توصیف^{۱۵} و فهم موضوع را دنبال می‌کند. با توجه به تعدد کاربران و





مقوله‌های اصلی و فرعی بعد از هر مصاحبه انجام می‌شد. پرسش‌های هدایت‌کننده نیز برای برخی موضوعات مطرح می‌گردید؛ مثلاً افزایش تراکم و ضوابط مرتبط با آن که از مدیران مرتبط با حوزه شهرسازی، یا نقش نهادهای خصوصی-دولتی و بانک‌ها و سیاست‌واگذاری اوراق مشارکت در پیشبرد پروژه، که از افراد مطلع سوال شد.

۴-۳. نمونه‌گیری در پژوهش

در نظریه داده‌بنیاد، نمونه‌گیری در آغاز، انجام نمی‌شود؛ بلکه به موازات شناسایی مفاهیم و آشکار شدن نظریه، نیاز به افرادی که فرایند نظریه‌سازی را تقویت کنند، آشکار می‌گردد. گلیر و استراوس (۱۹۶۷) «نمونه‌گیری نظری^{۳۲}» را روشی مناسب برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان معرفی می‌کنند. نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این طریق، تحلیلگر به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعد جمع‌آوری و از کجا پیدا کند تا نظریه‌اش را در حین شکل‌گیری تدوین نماید. نظریه‌ی در حال تدوین، فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (فلیک ۱۳۸۷، ۱۳۸).

حد مکفی نمونه‌گیری نظری، با اشباع نظری حاصل می‌شود. بدین معنا که به جای جامعه آماری مشخص، تعداد افراد یا گروه‌های مورد مصاحبه در جریان نمونه‌گیری تغییر می‌کنند تا زمانی که اشباع نظری حاصل شود. فرایند مصاحبه با عنایت به روند پژوهش، استخراج داده‌ها و کدگذاری تا رسیدن به اشباع نظری، ادامه یافت. از مصاحبه شماره ۲۱ به بعد تعداد مفاهیم منحصر بفرد استخراج شده به شدت کاهش یافت و از مصاحبه ۲۶ حالت اشباع نظری ایجاد شد. به گونه‌ای که مفهوم جدیدی اضافه نشد و مفاهیم قبلی تکرار شدند. با این حال برای اطمینان بیشتر، ۲ مصاحبه دیگر نیز انجام گرفت. در نهایت با انجام ۲۸ مصاحبه، فرایند گردآوری داده‌ها خاتمه یافت.

۴-۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها (کدگذاری^{۳۳})

تفسیر و تحلیل داده‌ها در نظریه داده‌بنیاد بر خلاف

گردآوری داده در پژوهش‌های کیفی متنوع است. از آنجا که محقق با ذی‌نفعانی روبه‌روست که دارای انباشت پیچیده‌ای از دانش در فرایند نوسازی بافت هستند؛ لذا برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته استفاده شد.

با توجه به اکتشافی بودن موضوع و ضرورت اطمینان به یافته‌ها و جلوگیری از سوگیری‌های احتمالی و نقائص موجود، از رویکرد آمیخته دنزین (۱۹۸۹) ۲۲ (رهیافت آمیخته‌سازی) استفاده شده است^{۳۳}. نگارنده در این پژوهش گروه‌های مختلف درگیر در امر نوسازی بافت (ساکن، کاسب، مدیر، مشاور، اساتید، زائر) را شناسایی و از نظرات آن‌ها بهره برده است. فرایند مصاحبه نیز، بر اساس مدل وال (وال ۲۴، ۱۹۹۶، ۸۸) طی مراحل زیر انجام شد: تعیین موضوع و اهداف، طراحی^{۲۵}، موقعیت مصاحبه، پیاده‌سازی^{۲۶}، تحلیل، تایید، و گزارشگری^{۲۷}.

۴-۲. طرح پرسش‌های مصاحبه

پرسش به تعیین مرزها می‌پردازد و مساله را محدود و دقیق‌تر می‌کند. پرسش‌ها در ابتدا کلی‌ترند و سپس جزئی‌تر می‌شوند (استراوس و کوربین ۱۹۹۰). در فرایند طی شده همراه با تکمیل مصاحبه‌ها و مشخص شدن زوایای مبهم مدل نظری، پرسش‌های جدیدی برای روشن شدن نقاط ابهام طراحی شد. به طور کلی پرسش‌های مصاحبه در چهار دسته‌ی پرسش‌های حساس‌کننده^{۲۸}، نظری^{۲۹}، دارای ماهیت عملی و ساختاری^{۳۰}، و هدایت‌کننده^{۳۱} تدوین گردید.

معمولاً مصاحبه با یک پرسش حساس‌کننده شروع می‌شد. از مدیران درباره سابقه مدیریت مرتبط با بافت و تصمیمات مدیریتی آن‌ها در طول دوران خدمت، از اساتید درباره مسائل بافت اطراف حرم؛ از مردم درباره سابقه سکونت و زندگی و تغییرات بافت، و از کسبه درباره شرایط کسب و کار سوال می‌شد. در زمینه پرسش‌های نظری به تأثیرات پروژه، بر زندگی و کسب‌وکار و چگونگی رویکرد طرح، اشاره می‌گردید. پرسش‌های عملی و ساختاری نیز به فراخور موضوعات و رسیدن به مرحله اشباع، یاریگر محقق بود. پاسخ به این نوع پرسش با کدگذاری‌ها و استخراج



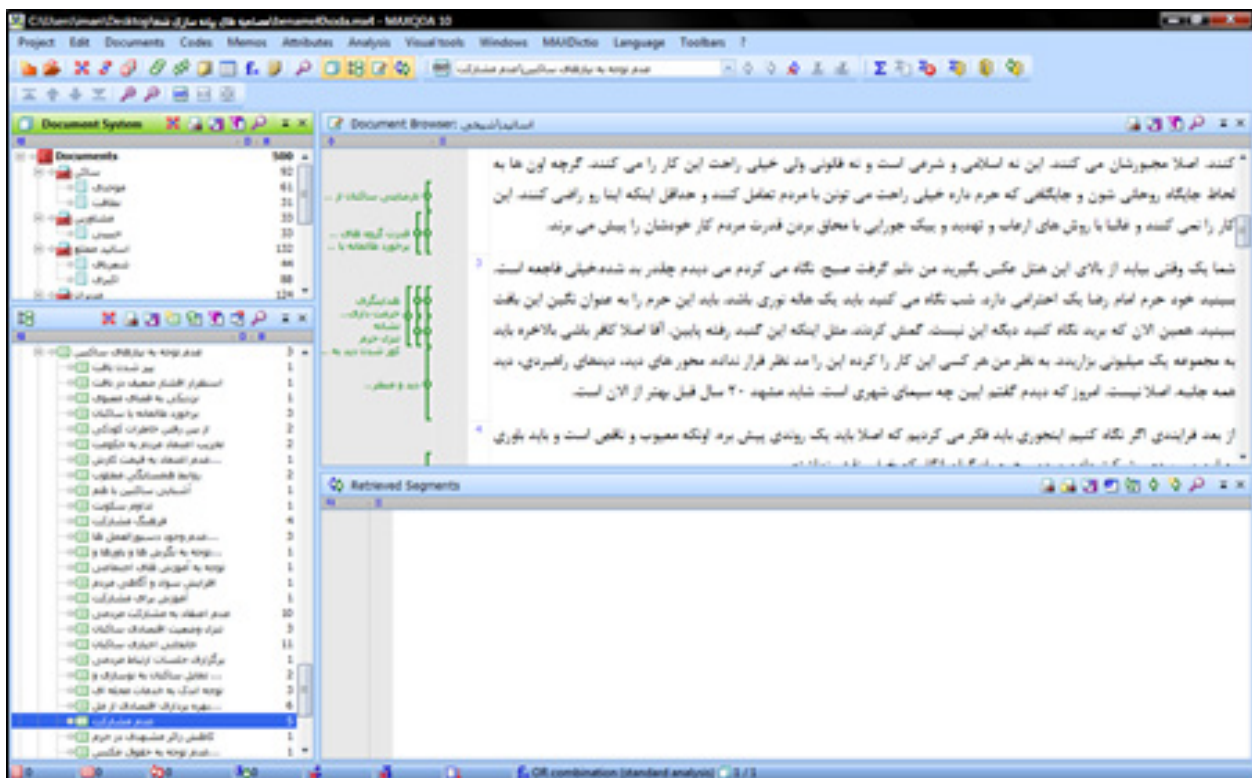


پژوهش‌های کمی (که پس از تولید داده، وارد مرحله تفسیر و تحلیل داده‌ها می‌شوند) با گردآوری داده به یکدیگر پیوند خورده است و نمی‌توان آن را به شکل خطی از هم جدا کرد (چارماز ۳۴ ۲۰۱۱). در تحلیل داده‌ها از کدگذاری به چند حالت باز، محوری و انتخابی استفاده می‌شود.

کدگذاری باز^{۳۵}: فرایندی تحلیلی است که مفاهیم، شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. از آنجا که در پس هر جمله‌ی مصاحبه‌شونده، مفهومی وجود دارد؛ در این مرحله آن مفهوم، کشف شده و جمله برچسب خورده است. در مصاحبه‌های مختلف، جملاتی متفاوت اما با مفاهیم درونی یکسان قرار داشتند. کشف مفاهیم یکسان، باعث شد پژوهشگر بتواند اتفاق‌ها و نظرات مشابه را تحت یک عنوان یا رده قرار دهد. همچنین در برخی موارد در تخصیص برچسب، از کدهای جنینی^{۳۶} استفاده گردید. نمونه‌ای از کدگذاری‌های انجام شده در ادامه آورده شده است:

«بوی عطر حرم و ادویه‌ها کجاست؟ صدای حسینیه‌ها و مساجد کجاست؟» که به مفهوم «غناى حسی» اشاره دارد و یا «عملا هر کسی هر کاری که بخواهد؛ انجام می‌دهد. چون استراتژی کلان وجود ندارد. وفاق مدیریتی وجود ندارد» که بیانگر مفهوم «عدم وفاق مدیریتی» است.

در کدگذاری عبارات، بیش از ۱۰۰۰ مفهوم اولیه استخراج شد. به علت فراوانی بالای این مفاهیم، پژوهشگر دسته‌بندی آن‌ها را آغاز و هر دسته را زیر اصطلاحات انتزاعی‌تر (مفاهیم اصلی) قرار داد (۲۵۱ مفهوم منحصر بفرد). با توجه به حجم بالای پدیده‌ها و کدها، انجام این امور به روش دستی بسیار زمان‌بر، برگشت‌ناپذیر، و با درصد خطای بالایی همراه است. لذا برای صرفه‌جویی در وقت و هزینه و بالابردن سرعت در عملیات و امکان اصلاحات احتمالی، از نرم‌افزار MaxQDA استفاده و با کمک آن، کدگذاری انجام شد. تصویر ۱ محیط این نرم‌افزار را نشان می‌دهد.



تصویر ۱. نمونه کدگذاری متن در نرم افزار MaxQDA



کدگذاری انتخابی ۴۲: برای یکپارچه‌سازی و پالایش مفاهیم اصلی و با فرآیندی تعاملی و پویا استفاده می‌شود. به گونه‌ای که با پیشبرد فرایند و وضوح بیشتر مدل نظری، امکان بازگشت و اصلاح تکنیک‌های پیشین وجود دارد. در این مرحله از ترکیب زیرمقوله‌ها، مقوله‌های اصلی به وجود آمدند. به منظور کاهش میزان خطا در فرایند یکپارچه‌سازی، از کدگذاری بصری، ماتریس شرایط و پیامد، طبقه مرکزی، قضایای مهم و داستان تحلیلی استفاده شد:

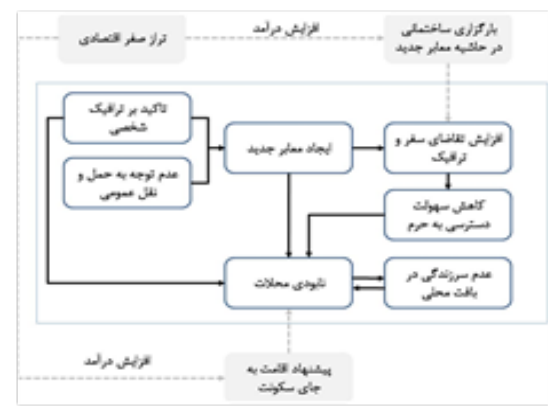
الف) کدگذاری بصری: در وهله اول با استفاده از الگوی کدگذاری بصری ۴۳، مفاهیم به تفکیک شرایط علی ۴۴، شرایط زمینه‌ای ۴۵، شرایط مداخله‌ای ۴۶، پدیده ۴۷، تعامل ۴۸، و پیامدها ۴۹ دسته‌بندی شدند (نمودار ۲). فرایند کدگذاری بصری، فرآیندی رفت‌وبرگشتی است؛ و برخی مفاهیم بر اساس ماهیت، آنقدر در دسته‌بندی سه گانه‌ی شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای جایجا می‌شدند که بهترین وضعیت برای توصیف آن‌ها ایجاد گردد.

در گام بعد به بررسی ارتباط میان مفاهیم مربوط به شرایط (علی، مداخله‌ای و زمینه‌ای) در تمامی مقوله‌های اصلی پرداخته شد. در این زمینه ممکن است مفاهیم ذیل شرایط علی یک مقوله اصلی با مفاهیم مقوله دیگر در یک طبقه قرارگیرند؛ و اثرگذاری آن‌ها بر هم مشخص گردد. در مرحله بعد ارتباط‌سنجی در بخش عمل و تعامل مورد توجه قرار گرفت (نمودار ۳). با بررسی دو مورد فوق ارتباط میان مفاهیم با وضوح بیشتری درک شد.

کدگذاری محوری ۳۷: فرایند مرتبط کردن مفاهیم اصلی (مفاهیم دسته‌بندی شده در کدگذاری باز) به مقوله‌های فرعی ۳۸، کدگذاری محوری نامیده می‌شود؛ زیرا کدگذاری در محور یک مقوله صورت می‌گیرد؛ و مفاهیم اصلی را در سطح ویژگی‌ها و ابعاد به یکدیگر مرتبط می‌کند تا توضیح دقیق‌تر و کامل‌تری از پدیده‌ها ارائه شوند. غرض از کدگذاری محوری آغاز کردن فرایند از نو کنار هم گذاشتن داده‌هایی است که در جریان کدگذاری باز، خرد شده‌اند. لازمه کدگذاری محوری آن است که تحلیلگر به تعدادی مفهوم اصلی (برآمده از کدگذاری باز) رسیده باشد.

مفاهیم مرتبط مستخرج از کدگذاری باز بر اساس ارتباط موضوعی، حول محور مشخص، گردآوری شده و با کدگذاری محوری، روابط و نسبت‌های میان آن‌ها آشکار می‌شود. برای کشف روابط، مفاهیم بر اساس ماهیت، به سه دسته شرایط ۳۹، اقدامات ۴۰، و پیامدها ۴۱ تقسیم شده و مقوله فرعی (زیرمقوله)، نام می‌گیرد. به‌عنوان مثال، پیرشدن بافت (در دسته شرایط)، عدم توجه به نگرش‌ها و باورها و رفتارهای ساکنان و استقرار اقلشار ضعیف در بافت (در دسته اقدامات) و تنزل فرهنگی بافت (به‌عنوان پیامد) ذیل زیرمقوله «تقلیل سرمایه اجتماعی و عدم توانمندسازی» دسته‌بندی شده‌اند.

در مرحله بعد برای درک بهتر و خوانش منطقی‌تر از روند نوسازی به ترسیم ارتباط تصویری میان آن‌ها و برهم‌کنش مفاهیم اصلی پرداخته شد و در قالب نمودارهای متنوع این ارتباط تبیین شد (نمودار ۱).

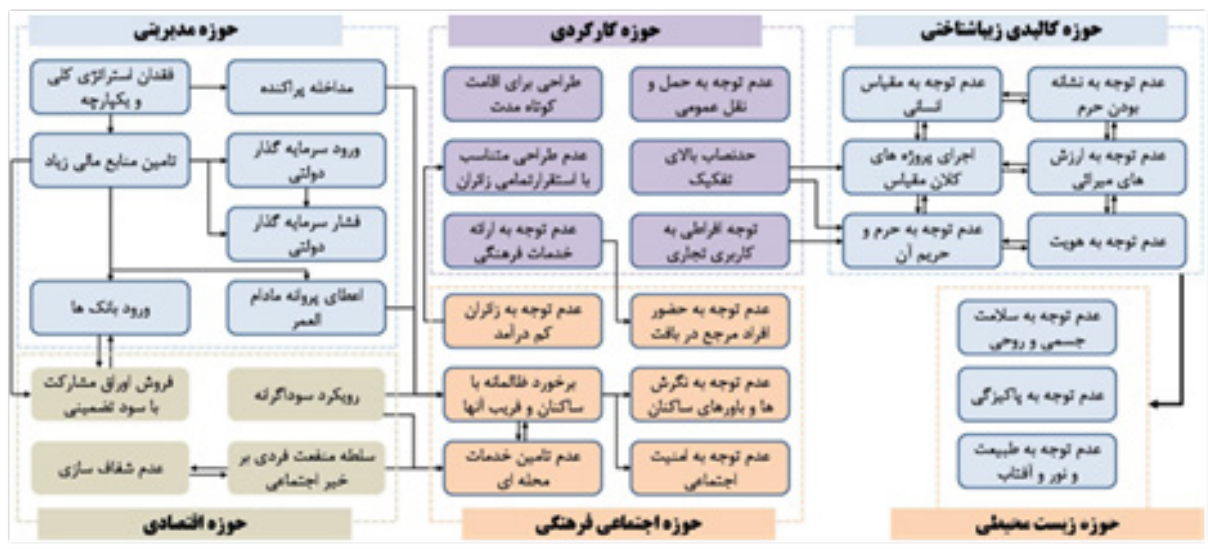


نمودار ۱. ارتباط مفاهیم زیرمقوله‌ی تنزل کیفیت دسترسی و حرکت



نمودار ۲. کدگذاری بصری مقوله اصلی نظام مدیریتی





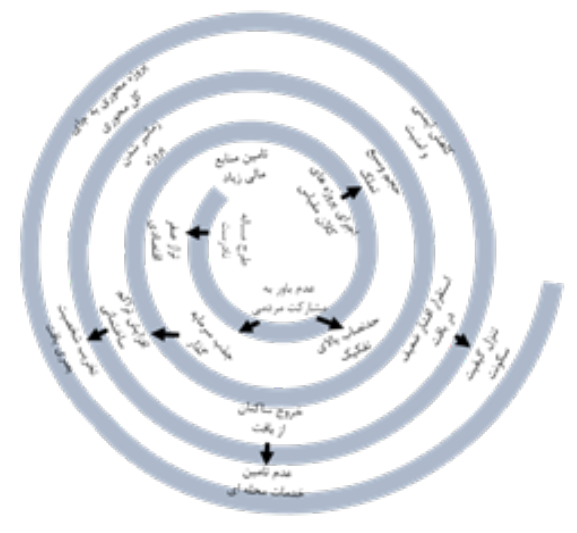
نمودار ۳. الگوی کدگذاری بصری مفاهیم در بخش عمل و تعامل

به طور کلی می‌توان گفت در بخش تجزیه و تحلیل، پژوهشگر در وهله اول مفاهیم را بر اساس شرایط، تعامل و پیامدها و به تفکیک مقوله‌های اصلی دسته‌بندی نموده است؛ و سپس در مرحله بعد به ادغام شرایط و بعد از آن به ترکیب کلیه اقدامات (عمل و تعامل) می‌پردازد. در این مرحله با ترسیم ماتریس شرایط و پیامدها، تمامی مفاهیم در تمامی مقوله‌ها ترکیب و یکپارچه می‌گردد.

ج) طبقه مرکزی: مقوله مرکزی باید به گونه‌ای باشد که بتوان سایر مقوله‌های عمده را به آن ربط داد؛ در داده‌ها مکرراً پدیدار شود؛ به قدر کافی انتزاعی باشد تا منجر به پرورده شدن مقوله کلی گردد؛ بتواند گوناگونی‌ها و نکته اصلی موجود در داده‌ها را تبیین نماید؛ و با تغییر شرایط معتبر بماند.

با کمک تحلیل داده‌ها، بررسی مولفه‌های پارادایمی، کدگذاری‌های بصری، ترسیم ماتریس شرایط و پیامدها و فرایندهای رفت و برگشتی میان این مراحل و بر اساس میزان تکرار و تاثیرگذاری مفاهیم بر یکدیگر، طبقه مرکزی انتخاب شد. ارتباط میان مفاهیم با استفاده از تکنیک‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس این توضیحات در پژوهش حاضر «طرح مساله نادرست و چیره

ب) ماتریس شرایط و پیامدها: به پژوهشگر کمک می‌کند تا شرایط ساختاری موجود را بررسی نماید. این ماتریس بر اساس مفاهیم دسته‌بندی شده ذیل مقوله‌های اصلی سطح‌بندی شده است که هر کدام بر لایه‌های پسینی و پیشینی خود اثرگذارند. نمودار ۴ مفاهیم استخراج شده و تاثیرات آن‌ها بر یکدیگر را نشان می‌دهد.



نمودار ۴. ماتریس شرایط و پیامدها



دارای روایی قابل قبولی بود. این روند بر اساس ارسال سوالات پیش از جلسه و سپس تنظیم وقت و توضیح فرایند طی شده، و ارائه یادداشت‌ها و نرم‌افزار مورد استفاده و چگونگی کدگذاری و تجزیه و تحلیل آن و استخراج مدل نظری انجام گردید.

در این پژوهش از روش پایایی «بازآزمون» برای سنجش پایایی یافته‌ها استفاده گردید. برای این موضوع، از میان مصاحبه‌های انجام گرفته سه مصاحبه به‌عنوان نمونه انتخاب؛ و هر کدام از آن‌ها در یک فاصله زمانی کوتاه و مشخص دو بار کدگذاری و با هم مقایسه شدند. در هر کدام از مصاحبه‌ها، کدهای مشابه با عنوان «توافق» و کدهای غیرمشابه با عنوان «عدم توافق» مشخص می‌شوند. پایایی بازآزمون ۷۶ درصد به دست آمد که نشان از پایایی قابل قبول نتایج دارد. اگر عدد به دست آمده، بیش از ۶۰ درصد باشد، کدگذاری مورد تأیید است (خواستار ۱۳۸۸).

۵. یافته‌ها

در کدگذاری اولیه، ۲۵۱ مفهوم منحصریفرد شناسایی شد (مفاهیم سطح اول). این مفاهیم بر اساس ویژگی‌ها، میزان ارتباط با هم و نحوه اثرگذاری در نوسازی، در سه بخش شرایط، تعامل و پیامدها دسته‌بندی و مفاهیم سطح دوم (مقوله‌های فرعی) تولید شدند. محقق با ترکیب و ادغام مفاهیم حول محورهای مشابه، ۲۹ مقوله فرعی شناسایی نمود. این مفاهیم نیز بر اساس حوزه عملکردیشان دسته‌بندی شده و مفاهیم سطح سوم یا مقوله‌های اصلی را در ۶ بخش شکل دادند: نظام مدیریتی، ارزش‌های اجتماعی-فرهنگی، نظام اقتصادی، نظام کارکردی، نظام کالبدی-زیباشناختی، و نظام زیست‌محیطی. به عبارتی در نوسازی بخش مرکزی مشهد توجه به شاخص‌های ذیل ۶ نظام مذکور، ضروری است.

کسبه و ساکنان بیشتر به مقوله اجتماعی و فرهنگی تاکید نموده‌اند. از نظر اساتید، ضعف نظام مدیریتی و غفلت از ارزش‌های اجتماعی فرهنگی تاثیر زیادی بر نقصان فرآیند نوسازی دارد. مدیران به ناکارآمدی مدل‌های اقتصادی

شدن شاخص‌های اقتصادی» به‌عنوان مفهوم مرکزی انتخاب گردید. این مفهوم بر سایر ابعاد نیز سایه افکنده و شاخص‌های هر بعد اصالت خود را از میزان انتساب و انطباق با آن می‌گیرند. لذا تغییرات اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، کالبدی و عملکردی موثر بر فرآیند نوسازی، تحت تاثیر این مفهوم ایجاد گردید.

د) قضایای مهم: در این مرحله قضایای مهم که در فرآیند نوسازی بافت موثر بوده‌اند؛ فهرست می‌شود. بر اساس میزان اهمیت مفاهیم (تکرار مفاهیم و میزان تاثیرگذاری هر مفهوم بر مفاهیم دیگر) تعداد ده قضیه یادداشت گردید. برخی از قضایای مهم عبارتند از:

تراز صفر اقتصادی به صورت غیر مستقیم باعث خروج ساکنان شده است.

رویکرد مدیریتی از بالا به پایین مانع مشارکت مردم و باعث نارضایتی آنان از طرح نوسازی این بافت گردید. مداخله پراکنده در بافت منجر به افزایش ناامنی، آلودگی و کاهش مطلوبیت سکونت شده است.

با کوچ اجباری ساکنان و کاسبان قدیمی و جایگزینی افراد جدید در خانه‌های استیجاری، مناسبات اجتماعی و فرهنگی بافت بر هم خورده است.

با خالی شدن بافت و کاهش کیفیت سکونت، گروه‌های مهاجر کم‌درآمد در آن سکونت یافتند که تنزل ابعاد اجتماعی و فرهنگی را به همراه داشته است.

ه) نگارش داستان تحلیلی: در این مرحله سعی شد گزاره‌های مهم مربوط به شرایط، اقدامات، پیامدها و ارتباط میان آن‌ها به شیوه‌ای تحلیلی نگارش شده، تا خوانشی عمیق، یکپارچه و انتقادی از فرآیند نوسازی بافت حاصل شود.

و) پالایش و سنجش اعتبار: در این پژوهش برای

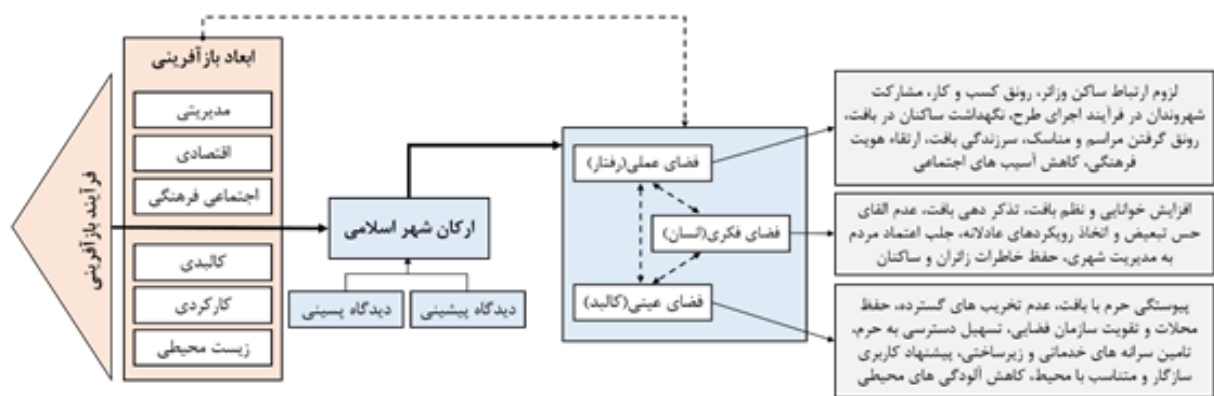
اطمینان از روایی مصاحبه‌ها از نظر کارشناسان استفاده می‌شود. برای این منظور با گروه کارشناسانی متشکل از اساتید شهرسازی و علوم اجتماعی و متخصص در پژوهش کیفی مشورت شد. از منظر هر سه کارشناس، پژوهش



و مدیریتی اشاره نموده؛ و مشاوران نیز، ناکارآمدی نظام مدیریتی را با اهمیت دانسته‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تلقی نادرست از توسعه، عدم باور به مشارکت مردمی، و اطمینان از تامین منابع مالی باعث شد تا در بعد اقتصادی و کالبدی سیاست‌هایی مدنظر قرار گیرد (نظیر سیاست تراز صفر اقتصادی، ورود بانک‌ها و سرمایه‌گذاران دولتی به بافت، فروش اوراق مشارکت با سود تضمین شده، افزایش حدنصاب تفکیک، ایجاد پروژه‌های کلان‌مقیاس) که کیفیت نوسازی را با چالش‌های جدی مواجه نموده؛ و منجر به خروج ساکنان از بافت شده؛ و در نتیجه، تنزل کیفیت سکونت و زیارت را به

همراه داشته است. نمودار ۵ چارچوب بازآفرینی را در شهرهای اسلامی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد نشان می‌دهد. همانطور که ذکر شد؛ ارکان شهر اسلامی متشکل است از فضای فکری، فضای عملی و فضای عینی. لذا در فرآیند نوسازی و مداخله در بافت‌های قدیمی باید به چگونگی تاثیرگذاری مداخله بر ابعاد مختلف فضاهای سه‌گانه توجه شده و ارزش‌های زمینه‌ای حفظ و تقویت شود. مداخله حداقلی به منظور رفع مسائل جدی، تقویت ارتباط میان حرم و بافت و حفظ خاطرات قدیمی و نگهداشت ساکنان از جمله موارد مهم در اتخاذ رویکرد بازآفرینی در این بافت می‌باشد.



نمودار ۵. چارچوب بازآفرینی بخش مرکزی شهر مشهد

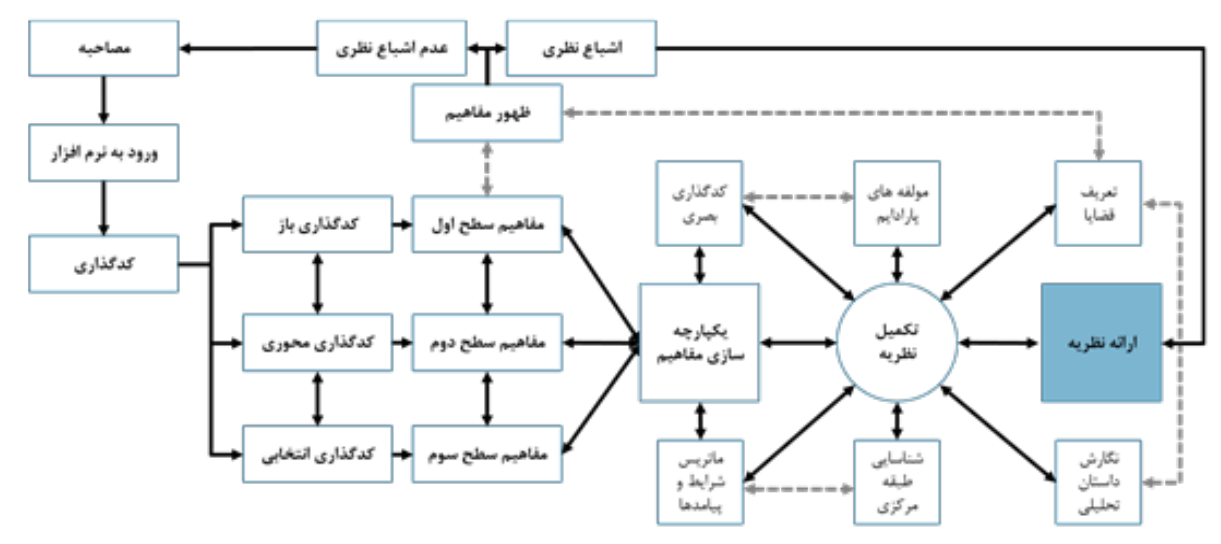
۶. نتیجه‌گیری

مشاهده‌های میدانی پرداخته شد. نمودار ۶ فرآیند پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد با عدم شناخت مساله و تاکید بر نوسازی کالبد، اصالت به فرایندی داده می‌شود که صرفاً بر مسائل کالبدی و اقتصادی تاکید دارد و سایر مناسبات شکل گرفته پیرامون عنصر مذهبی را در فضاهای فکری و عملی نادیده می‌انگارد. همچنین مشخص شد که چارچوب بازآفرینی شهرهای مذهبی مبتنی است بر نظام‌های شش‌گانه مدیریتی، اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی، کارکردی، و زیست‌محیطی. این در حالی است که در شهرهای اسلامی فضای ذهنی و ارتباط انسان با عالم معنا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛

تولید نظریه‌های بومی و بهره‌مندی از نگرش صاحب‌نظران و ذی‌نفعان در پروژه‌های شهری، امری ضروری در تحقق اهداف طرح‌ها و برنامه‌های پیشنهادی است. از طرفی تکیه بر پیش‌فرض‌ها و پیشنهادهای بدون توجه به زمینه و شناخت و تبیین مسائل، ممکن است نه‌تنها باعث حل مساله نشود؛ بلکه آن را پیچیده‌تر نماید. به همین دلیل در این پژوهش به تشریح مراحل مختلف کاربری نظریه داده‌بنیاد در فرآیند نوسازی بخش مرکزی مشهد مبتنی بر سه فضای عینی، فکری و عملی اقدام گردید؛ و با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، به مطالعه ادراک مردم و صاحب‌نظران، مبتنی بر تفسیر داده‌های متنی و نیز

حول محور سنت و مذهب، تعریف و اصالت یابد. در بعد عملی و اجتماعی نیز به تقویت روابط اجتماعی میان ساکنان، کسبه و زائران توجه شود که لازمه آن حفظ ساکنان و کسبه در بافت می‌باشد. با جابجایی آنان نظم شکل گرفته در طول سالیان قبل از بین رفته؛ و محیط، ناپایدار و کیفیت آن، تنزل خواهد یافت. در بعد کالبدی نیز رویکرد مداخله حداقلی در دستور کار قرار گرفته و از مداخله گسترده جلوگیری به عمل می‌آید. با حاکم شدن چنین رویکردی بر فرآیند مداخله و نوسازی، می‌توان انتظار داشت میزان ادراک و رضایت مردم از روند نوسازی بهبود یابد.

و بدون توجه به این مهم، هر فرآیندی با نارسایی همراه خواهد بود. لذا این نظام‌ها باید در انتساب به این موضوع خود را بازآرایی کنند؛ و چنانچه مدیریت شهری قصد مداخله در این بافت‌ها را داشته باشد؛ لازم است به فضای فکری، عینی و عملی شهرهای اسلامی توجه نماید. همچنین باید پیش از اجرای هر طرحی، تاثیر هرگونه مداخله‌ای در این فضاهای سه‌گانه مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد تا آسیب‌های احتمالی به حداقل ممکن برسد. نوع تلقی مدیریت شهری از بافت باید مبتنی بر فضای فکری انسان مومن، تغییر یافته و نوسازی در این بافت‌ها،

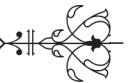


نمودار ۶. تشریح روش‌شناسی داده‌بنیاد در تحقق نظریه

پی‌نوشت

۱. تعداد شهرهای کشور ایران از سال ۱۳۶۵ تا سال ۱۳۹۸ بر اساس فهرست وزارت کشور از ۴۹۶ به ۱۳۵۴ رسیده است (مرکز آمار ایران ۱۳۹۸).
۲. Strauss
۳. Corbin
۴. Kim
۵. Gibson
۶. Kocabas
۷. Boussaa
۸. Ozlem
۹. Magalhaes
۱۰. Zheng
۱۱. Shen
۱۲. Wang
۱۳. Glaser
۱۴. Exploration Description
۱۵. Description





فرایند و گوناگونی را ببیند
۳۰. این‌ها پرسش‌هایی‌اند که سمت و سوی نمونه‌گیری را تبیین و پروراندن نظریه‌ی در حال شکل‌گیری را آسان می‌کنند.

۳۱. این‌ها پرسش‌هایی‌اند که مصاحبه‌ها و مشاهدات و تحلیل را هدایت می‌کنند. این پرسش‌ها طی زمان تغییر می‌کنند و مبتنی بر نظریه در حال شکل‌گیری‌اند. از پرسش‌های باز آغاز می‌شوند و در ادامه به تدریج خاص‌تر و پالایش‌یافته‌تر می‌شوند.

۳۲. Theoretical Sampling

۳۳. Coding

۳۴. Charmaz

۳۵. Open Coding

۳۶. کدهای جنینی واژه‌های گیرایی از سخن مصاحبه شونده‌اند که بلافاصله نظر تحلیلگر را به خود جلب می‌کنند.

۳۷. Axial Coding

۳۸. مقوله فرعی یا زیرمقوله، یک مقوله است اما به جای آنکه به خود پدیده اشاره کند؛ تنها پاسخ پرسش‌هایی را می‌دهد که در مورد آن پدیده طرح می‌شود.

۳۹. یعنی پاسخ به پرسش‌های چرا، در کجا، چطور، چه وقت، و...

۴۰. پاسخ‌های راهبردی و معمولی که در واکنش به مسائل مطرح می‌شود.

۴۱. نتایج عمل و تعامل که افراد و گروه‌ها انجام داده‌اند.

۴۲. Selective Coding

۴۳. A Visual Coding Paradigm

۴۴. آن دسته از مفاهیم و رویدادهایی هستند که بر پدیده اثرگذارند (سبب‌ساز).

۴۵. مجموعه‌ای از مفاهیم‌اند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌شوند و ریشه در شرایط علی و مداخله‌ای دارند.

۴۶. آن‌هایی‌اند که شرایط علی را تخفیف و یا تغییر می‌دهند.

۴۷. ایده مرکزی در داده‌ها. در اینجا به مقولات اصلی به عنوان کلان‌ایده‌های مستخرج از داده‌ها اشاره شده است.

۴۸. مفاهیمی است که بر اقدام، متمرکزند.

۴۹. بر نتایج حاصل از شرایط و تعاملات توجه می‌کنند.

۱۶. در این تفکر در یک سو آرمانگرایی قرار دارند که وجود جهان خارجی یا دست کم وارد بودن آن را رد می‌کنند. در سوی دیگر گروهی هستند که برداشت‌ها از واقعیت را صرفاً شیوه‌های متفاوت درک و فهم جهان خارجی در نظر می‌گیرند که به آرمانگرایان دورنگر مشهورند. پژوهش حاضر در این پیوستار به سمت آرمانگرایان دورنگر تمایل دارد.

۱۷. Epistemology

۱۸. Kalof

۱۹. Dan

۲۰. Dietz

۲۱. کدگذاری باز به معنای تقسیم داده‌ها به واحدهای معنی‌دار مجزا است که برای تولید مفاهیم برچسب خورده‌اند.

۲۲. Denzin

۲۳. معتقد است که استفاده از روشهای متفاوت توسط محققان گوناگون که یک پدیده را مطالعه می‌کنند اگر با هوشیاری انجام شود؛ می‌تواند به روایی و اعتبار بیشتری از یک روش تحقیق خاص منجر شود. در این زمینه چهار نوع آمیخته‌سازی مطرح می‌گردد: (۱) آمیخته‌سازی داده‌ها: که در آن داده‌های مورد نیاز در زمان‌های مختلف و یا از منابع گوناگون جمع‌آوری می‌شوند. (۲) آمیخته‌سازی محققان: که در آن محققان مختلفی به طور مستقل از هم یک پدیده را می‌سنجند و سپس نتایج را با هم مقایسه می‌کنند. (۳) آمیخته‌سازی روش‌ها: که در آن روش‌های کمی و کیفی جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. (۴) آمیخته‌سازی نظریه‌ها: که در آن یک نظریه از یک مکتب یا حوزه برای تشریح و تبیین پدیده‌ای از مکتب یا حوزه دیگر به کار گرفته می‌شود.

۲۴. Kvale

۲۵. designing

۲۶. transcribing

۲۷. reporting

۲۸. این پرسش‌ها پژوهشگر را به آنچه داده‌ها نشان می‌دهند؛ نزدیک می‌کند.

۲۹. پرسش‌هایی هستند که به پژوهشگر کمک می‌کنند



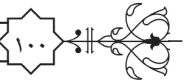
منابع

۱. استراوس، انسلم، و جولیت کریبن. ۱۳۹۵. مبانی پژوهش کیفی. ترجمه‌ی ابراهیم افشار. تهران: نی.
۲. آریانا، اندیشه، غلامرضا کاظمیان، و محمود محمدی. ۱۳۹۹. مدل مدیریت تعارض ذی‌نفعان بازآفرینی شهری در ایران مطالعه موردی: محله همت آباد اصفهان. مطالعات شهری ۹ (۳۵): ۱۱۷-۱۳۲.
۳. بحرینی، سید حسین، محمد سعید ایزدی، و مهراوش مفیدی. ۱۳۹۲. رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). مطالعات شهری ۳ (۹): ۱۷-۳۰.
۴. تولایی، نوین. ۱۳۸۰. زمینه‌گرایی در شهرسازی. هنرهای زیبا (۱۰): ۳۴-۴۳.
۵. خواستار، حمزه. ۱۳۸۸. ارائه روشی برای محاسبه پایایی مرحله کدگذاری در مصاحبه‌های پژوهشی. روش‌شناسی علوم انسانی ۱۵ (۵۸): ۱۶۱-۱۷۴.
۶. دانایی‌فرد، حسن. ۱۳۸۹. استراتژی‌های نظریه‌پردازی. تهران: سمت.
۷. علی‌الجنابیان، علی، و زهره دودانگه. ۱۳۹۴. مفهوم بازآفرینی در نظر و عمل، مصاحبه با سید محسن حبیبی. هفت شهر (۵۱ و ۵۲): ۵۵-۵۹.
۸. فلاح‌زاده، سجاد، و فرزین محمودی پاتی. ۱۳۹۴. اولویت‌بندی سیاست‌های مشارکتی در بازآفرینی شهری با تأکید بر احتمال وقوع ناسازگاری میان بهره‌وران (مطالعه موردی: برنامه بازآفرینی بافت قدیم آمل). مطالعات شهری ۴ (۱۵): ۵-۱۶.
۹. فلیک، اووه. ۱۳۸۷. درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه جلیلی. تهران: نی.
۱۰. قلندریان، ایمان، علی‌اکبر تقوایی، و مریم کامیار. ۱۳۹۵. مطالعه تطبیقی رابطه انسان و محیط زیست در تفکر توسعه پایدار و تفکر اسلامی. پژوهش‌های معماری اسلامی ۴ (۱): ۶۲-۷۸.
۱۱. قلندریان، ایمان، و مجتبی رفیعیان. ۱۳۹۷. تبیین مدل کیفیت محیط در بازآفرینی شهر ایرانی اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۹ (۳۴): ۴۹-۵۸.
۱۲. لک، آزاده. ۱۳۹۳. کاربرد نظریه زمینه‌ای در پژوهش‌های طراحی شهری. صفا ۲۴ (۱): ۴۳-۶۰.
۱۳. محمدپور، احمد. ۱۳۸۹. روش در روش درباره ساخت معرفت در علوم انسانی. تهران: جامعه‌شناسان.
۱۴. مهندسین مشاور طاش. ۱۳۸۷. طرح بهسازی و نوسازی بافت منطقه ثامن مشهد.
۱۵. نقی‌زاده، محمد. ۱۳۸۷. شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات). تهران: مانی.
۱۶. _____ . ۱۳۸۹. تاملی در چیستی شهر اسلامی. مطالعات شهر ایرانی اسلامی ۱ (۱): ۱-۱۴.

References

1. Alialjenabian, Ali, and Zohreh Dodangeh. 2015. *Urban Regeneration in Theory and Practice/ Interview with Seyyed Mohsen Hbibi. Haft Shahr (51-52): 55-99.*
2. Ariana, Andishe, Gholamreza Kazemian, and Mahmoud Mohammadi. 2020. *Conflict Management Model of Urban Regeneration Stakeholders in Iran (Case study: Hemmat-Abad Neighborhood of Isfahan). Motaleate Shahri 9(35): 117-132.*





3. Bahraini, Hossein, Mohammad Saeed Izadi, and Mehranoush Mofidi. 2014. *The Approaches and Policies of Urban Renewal from "Urban Reconstruction" to Sustainable Urban Regeneration*. *Motaleate Shahri* 3(9): 17-30.
4. Boussaa, D. 2017. *Urban Regeneration and the Search for Identity in Historic Cities*. *Sustainability* 10(1): 48- 64.
5. Charmaz, K. 2011. *Qualitative Interviewing and Grounded Theory Analysis, Handbook of Interview Research*, <http://dx.doi.org/10.4135/9781412973588>. SAGE
6. Danaeefard, Hassan. 2009. *Strategies of Theory Building*. Tehran: SAMT.
7. Denzin, N.K. 1989. *The Research Act*. Englewood Cliffs. NJ: Prentice Hall.
8. Fallahzadeh, Sajjad, and Farzin Mahmoudi Pati. 2015. *Prioritizing Participatory Policies in Urban Regeneration with Emphasis on the Probability of Conflict Among Key Stakeholders (Case Study: Old Part of Amol Urban Regeneration Plan)*. *Motaleate Shahri* 4 (15): 5-16.
9. Ghalandarian, Iman, Aliakbar Taghvaei, and Maryam Kamyar 2016. *Comparative Study of the Relationship between Human and the Environment in Sustainable Development Thought and Islamic Thought*. *Researches in Islamic Architecture* 4(1): 62-76.
10. Ghalandarian, Iman, and Mojtaba Rafiyan. 2019. *Explanation of Environmental Quality Model in The Iranian Islamic City Regeneration*. *Studies on Iranian Islamic City* 9 (34): 49-58.
11. Gibson, Micheal, and Arzu Kocabaş. 2001. London: *Sustainable Regeneration- Challenge and Response*. Paper presented to the *Rendez-vous Istanbul: 1st International Urban Design Meeting*, Mimar Sinan University, Istanbul, Turkey
12. Glaser, B., and A. Strauss. 1967. *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
13. Kalof, L., A. Dan, and T. Dietz. 2008. *New Tor Grounded Theory Applications in Urban Design Research*. *Essentials of Social Research*. Open University Press.
14. Khastar, Hamzah. 2009. *A Method for Calculating Coding Reliability in Qualitative Research Interviews*. *Methodology* 15(58): 161-174.
15. Kim, J. Y. 2015. *Urban Regeneration Utilizing Art: A Case Study of the Samlye Art Village, Korea*. *International Journal of Multimedia and Ubiquitous Engineering* 10(11): 337-342.
16. Kvale, S. 1996. *Interviews: An Introduction to Qualitative Research Interviewing*. Thousand Oaks, CA: Sage.
17. Lak, Azadeh. 2014. *Grounded Theory Applications in Urban Design Research*. *Soffeh* 24(1): 43-60.
18. Magalhaes, C. 2015. *Urban regeneration*. *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences* 919-925.





19. Mohammadpour, Ahmad. 2009. *Methods in the Method of Constructing Knowledge in the Humanities*. Tehran: Jameie Shenasan.
20. Naghizadeh, Mohammad. 2007. *Islamic City and Architecture*. Tehran: Mani.
21. _____. 2009. *Study in the Meaning of Islamic City*. *Studies on Iranian Islamic City 1(1)*: 1-14.
22. Ozlem, G. 2009. *Urban Regeneration and Increased Competitive Power: Ankara in an Era of Globalization*. *Cities 26(1)*: 27-37.
23. Strauss, A., and J. Corbin. 1990. *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage Publications, Inc.
24. Tash Consulting Engineers. 2007. *Rehabilitation and Renovation Plan of Holy Shrine's Surrounding Fabric: Urban Design Fundamental Studies*. Mashhad.
25. Tavallaei, Novin. 2002. *Contextualism in Urbanism*. *Honar-ha-ye-Ziba (10)*: 34- 43.
26. Uwe, Flic k. 2006. *An Introduction to Qualitative Research*. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney.
27. Zheng, H. W., G. Shen, and H. Wang. 2014. *A Review of Recent Studies on Sustainable Urban Renewal*. *Hong Kong: Habitat International (41)*: 272-279.



**Application of Grounded Theory in The Emergence of an Urban Theory: Regeneration of the Central Part of Mashhad****Iman Ghalandarian**

Assistant Professor, Department of Urbanism, Ferdowsi University of Mashhad.

Corresponding Author : ghalandarian@ferdowsi.um.ac.ir

Received: 19/12/2021

Accepted: 06/04/2022

Abstract

The knowledge of urban planning relies on the precise understanding of the relationship between the human and the environment seeking to improve the quality of human life and built environment. Thus, this knowledge requires a theoretical foundation through which a better understanding of urban issues can be developed, and a suitable solution can be proposed. Therefore, production and explanations of theories using accurate and suitable methods are imperative and increase the richness of the urban planning knowledge. Meanwhile, the lack of appropriate theorizing methods in urban planning, the experts not believing in them, the existence of inconsistent theories built on quantitative methods with no regard for the social and environmental relations, and negligence of users towards the understanding and interpretation of the space highlights the importance of using the ground-based methodology to develop urban theories.

Nowadays, how the old urban fabrics are to be dealt with has become one of the significant challenges of urban planning since the environment quality, and ecological balance have declined in these environments. Thus, a proper intervention aimed at improving the quality of urban life and gaining the satisfaction of its residents and users has become an inevitable necessity. Renovations projects are carried out in worn-out urban fabrics aiming to increase the quality of the urban environment; however, these projects have not achieved much success realizing their goals, have brought about new challenges for these fabrics, and have led to the dissatisfaction of a wide range of users and residents.

The central urban fabric of Mashhad is one of the old regions of the town, which is dealing with the phenomena of being worn out due to the continuous residence. Serious renovations started in this fabric in the 1990s and have continued since. The present study seeks to discover how an urban recreation framework based on a critical study of the implemented renovation process emphasizes grounded research methodology. Thus, the study seeks to answer how the grounded methodology can be used to achieve a recreation framework tailored to the central region of the religious city of Mashhad. To understand the process of renovation in this fabric, one must question the approach of people and various groups towards the renovation of Mashhad central region. Grounded research seeks the three goals of exploration, description, and understanding the subject.





The most important issue discussed recreation and renovation strategies is their risk of failure. Given that recreation policies engage various stakeholders, dispute and incompatibility between them over their interests are among the challenges these strategies have always faced, resulting in their failure and ineffectiveness. Thus, the institutional approach emphasizes the interaction between local stakeholders and upstream levels and demands the participation of organizations and groups to reduce the risk of plans' failure. The lukewarm acceptance of some people towards the marginal and worn-out urban fabric renovation projects confirms this claim.

Understanding the recreation framework in the central region of Mashhad is complex and challenging due to the holy shrine of Imam Reza (AS), the presence of pilgrims, residents, businesses, and the renovation procedures, which make any pre-conceived model or specific hypothesis of the influential variable over-simplistic. This is why this subject had better be studied in its specific context and ground-based on the opinions of stakeholders and methodological data collection.

Grounded theory is a research strategy proposed by two American sociologists, Glaser and Strauss, which defines how the data that has been collected methodically throughout a social study is to be used. The application of this method to predict, describe, and explain has attracted the attention of scholars since its emergence. This method has an inductive approach to the development of theory and extracts theories from the heart of research through establishing an ongoing persistent relationship between data collection and analysis. The data must reflect the meanings and perceptions of people engaged in the modeled phenomena, and the results must be presented as an interconnected set of concepts rather than a simple list of several themes.

Thus, the stakeholders' cognitive assessment of the intervention in urban fabrics impacts their level of participation and the plans' level of realization. The grounded theory can discover people's mentalities regarding these plans through making connections with them, determining the positive and negative features of each project based on their perception, and thus improving the feasibility of the plans through eliminating the weaknesses and highlighting the strengths.

The process starts with collecting data and coding them openly. The data are then classified into separate categories and are revaluated to reveal the internal connections between them, summarized into more comprehensive categories at higher levels through several analytical stages, and will make up the main category, i.e., the grounded theory- in the end. The detailed steps of the process include data collection, presenting the research questions, sampling, analysis, and evaluation of the processes and results, which will be elaborated on in the following. Results of the study indicated that the grounded theory helps understand the various and deeper layers impacting physical, social, etc. changes and various techniques must be used for the development of theory. It was also revealed that urban management must pay attention to the mental, objective, and functional spaces in the six aspects of economic, management, socio-cultural, functional, ecological, and physical should it intend to intervene in the urban fabric of Islamic cities.

Keywords: Grounded Theory, Methodology, Religious City, Central Part of Mashhad

